



تبادلات فرهنگی جنوب شرق و مرکز ایران با عمان براساس شواهد باستان‌شناختی

محسن جاوری^۱

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۲۳ - ۱۰۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.6.19.109

چکیده

گستره ایران فرهنگی با توجه به شواهد تاریخی، بقایای باستان‌شناختی و ویژگی‌های فرهنگی، مانند: زبان، آداب و رسوم محدودهای وسیع را شامل می‌شود که از آسیای مرکزی تا بخش‌هایی از شبه‌قاره هند گرفته تا قفقاز و آسیای صغیر و سراسر خاورمیانه و بخش‌هایی از شمال آفریقا را دربر می‌گیرد. افزون بر تسلط و نفوذ سیاسی، تجارت و بازرگانی نیز در کنار کارکرد اقتصادی خود نقش مهمی در انتقال فرهنگ، علوم و فنون از ایران به سایر نقاط را برعهده داشته‌اند؛ در همین راستا، قطعاتی از تزئینات کاشی شامل: زرین‌فام، تک‌رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی، چلیپایی و خشتی کتیبه‌دار و لاجوردینه در بندر قلهات طی بررسی باستان‌شناسی هیأت ایرانی در زمستان ۱۳۸۶ ه.ش.، به دست آمد که مصادیقی روشن در این زمینه محسوب می‌شوند. فن پیچیده و پر رمز و راز زرین‌فام یکی از مصادیقی است که حضور آن در مناطق دیگر، مصداق بارز نفوذ فرهنگ و هنر ایران در آن محدوده است. آثار باقی‌مانده زرین‌فام اعم از انواع کاشی و سفال، رواج استفاده از این فن در محدوده ایران طی دوره‌های سلجوقی و ایلخانی را نشان می‌دهد. نمونه‌های تحت مطالعه در این مقاله به عنوان دورترین مکان به‌کارگیری این عنصر تزئینی نسبت به موطن خود ایران، در بندر باستانی قلهات در عمان از اهمیت خاصی برخوردار است. بندر باستانی قلهات در عمان یکی از سرزمین‌هایی است که بخشی از تاریخ آن مرهون حضور عنصر ایرانی در آنجاست، حضوری که براساس شواهد تاریخی، هم‌زمان با ابتدای دوره تاریخی ایران، یعنی دوره هخامنشی آغاز شده و قرن‌ها ادامه یافته است. در این مقاله برآنیم تا ضمن معرفی این بندر باستانی به این پرسش که، تزئینات کاشی به دست آمده از بررسی باستان‌شناسی هیأت ایرانی در قلهات چگونه تبادل تجاری میان ایران و این بندر تأیید می‌نماید(؟) و این پرسش که این کاشی‌ها از کدام مراکز تولیدی به عنوان یک کالا به آنجا تجارت شده است(؟)، را به بحث بگذاریم. این پژوهش از نوع توصیفی تاریخی است و با رویکرد باستان‌شناسی بر مبنای شواهد و بقایای حاصل از بررسی سطحی و مطالعات کتابخانه‌ای شامل رجوع به متون تاریخی و سایر منابع به دنبال پاسخ به پرسش تحقیق است. در نتیجه این تحقیق مشخص شد کاشی‌های گوناگون موجود در قلهات در قالب کالاهای تجاری از دو مرکز کاشان در مرکز ایران و کرمان به قلهات حمل و در بناهای مورد نظر نصب شده‌اند.

کلیدواژگان: بندر قلهات، بی‌بی‌مریم، کاشی زرین‌فام، هیأت باستان‌شناسی ایرانی، کاشان.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (سرپرست هیأت باستان‌شناسی اعزامی از پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور به عمان).

javeri@kashanu.ac.ir

مقدمه

کشور عمان، یکی از کشورهایی است که در دوره معاصر با برقراری روابط مؤثر سیاسی و فرهنگی زمینه‌های خوبی را برای ارتباط دو کشور در عرصه‌های مختلف پدید آورده است. در همین خصوص، سال ۱۳۸۵ ه.ش، در پی سفر «حسن فاضلی‌نشلی» (ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی) به کشور عمان موافقتنامه‌ای برای انجام یک برنامه باستان‌شناسی توسط یک هیأت ایرانی در بندر قلّهات عمان میان پژوهشگاه میراث فرهنگی و وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ عمان منعقد شد. متعاقب موافقت‌نامه مذکور یک هیأت باستان‌شناسی از سوی پژوهشگاه میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۶ ه.ش، برای انجام یک برنامه پژوهشی باستان‌شناسی به کشور عمان اعزام شد. هیأت ایرانی در فصل اول حضور خود، بررسی باستان‌شناسی شهر بندری قلّهات را به انجام رسانید. در این فصل تمامی محدوده ۴۰ هکتاری این شهر نقشه برداری شد (تصویر ۱)، (نقشه ۴) و بخش‌های مختلف شهر اعم از: باروی طولانی شهر و برجک‌های دفاعی و دروازه‌ها، مخازن آب، برج‌های دیدبانی مستقر روی ارتفاعات مشرف بر شهر و گورستان تحت بررسی قرار گرفت. با توجه به اهمیت مقبره «بی‌بی‌مریم» واقع در منتهی‌الیه شمال غربی شهر (نقشه ۴) به عنوان تنها عنصر پابرجای این شهر و ویرانه‌های مسجد جامع واقع در منتهی‌الیه ساحل شرقی (نقشه ۴) هر دو محل مورد تدقیق در بررسی واقع شدند. طی بررسی محدوده پیرامون مقبره بی‌بی‌مریم، قطعاتی از انواع کاشی به دست آمد که پس از نمونه برداری به پایگاه منتقل شد، این قطعات تا شعاع ۳۰ متری مقبره پراکنده شده بودند. به نظر می‌رسد این کاشی‌ها به تدریج از محل نصب خود در مقبره فروافتاده‌اند و اقدامی برای مرمت و جایگزینی آن‌ها در بنا صورت نگرفته؛ به طوری که در حال حاضر مقبره فاقد هرگونه تزئین کاشی نصب شده در داخل و خارج خود است.

ویرانه‌های مسجد جامع قلّهات نیز تحت بررسی قرار گرفت، اما با توجه به این که هیأت فرانسوی طی انجام موافقت‌نامه‌ای با وزارت باستان‌شناسی عمان قرار بود در آینده نزدیک در آنجا کاوش نماید از انجام نمونه برداری خودداری شد، ولی با این وجود داده‌های سطحی آن مورد مستندسازی قرار گرفت.

پرسش‌های پژوهش: در این پژوهش کاشی‌های به دست آمده از بررسی مقبره بی‌بی‌مریم و نمونه‌های موجود در مسجد در راستای پاسخ به این پرسش‌ها: ۱- کاشی‌های موجود در شهر قلّهات چگونه تبادل میان ایران و این بندر را تأیید می‌کنند؟ ۲- این کاشی‌ها از کدام مراکز سفالگری و کاشی‌سازی تولید و به قلّهات حمل شده‌اند؟ مورد مطالعه قرار گرفته است. نمونه‌های تحت مطالعه شامل انواع کاشی‌های زرین‌فام، تک‌رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی چلیپایی و خشتی کتبیبه‌دار و کاشی لاجوردینه‌اند که براساس تطبیق و مقایسه در دو مرکز کاشی و سفال کاشان و کرمان تولید و در قالب کالای تجاری به قلّهات حمل و در مقبره بی‌بی‌مریم و مسجد جامع این شهر نصب شده‌اند. **روش پژوهش:** این تحقیق از نوع تاریخی-تحلیلی است و برای انجام آن طی یک برنامه بررسی باستان‌شناسی اطلاعات لازم جمع‌آوری و پس از مستندسازی تحت مطالعه قرار گرفته و با مراجعه به مقالات و کتب اعم از منابع دست اول و سایر منابع، تحلیل‌های تطبیقی به انجام رسیده است.

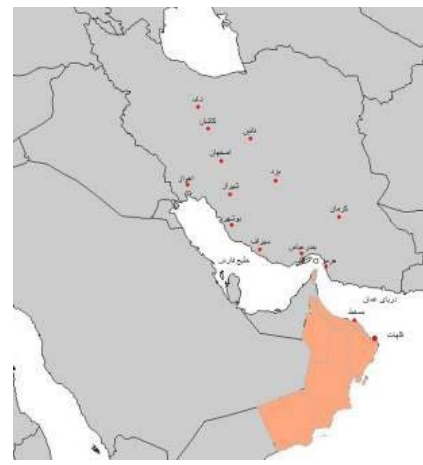
پیشینه پژوهشی

اولین فعالیت باستان‌شناسی در بندر باستانی قلّهات با انجام یک فصل کاوش در یک بنای کوچک در زمستان ۱۳۸۲ ه.ش، توسط یک هیأت استرالیایی - عمانی آغاز شد که در نتیجه خواناسازی نقشه یک حمام به عنوان یک بنای عام‌المنفعه حاصل کار آن بود (Vosmer, 2004). پژوهش‌های بعدی به هیأت ایرانی تعلق دارد که شامل یک فصل بررسی باستان‌شناسی در زمستان ۱۳۸۶ ه.ش. (جاوری، ۱۳۸۷) و یک فصل کاوش در زمستان ۱۳۸۷ ه.ش. (جاوری، ۱۳۹۲) است. این بندر

سپس چند فصل با یک برنامه مدت‌دار توسط یک هیأت باستان‌شناسی فرانسوی به سرپرستی خانم اکسل روگل طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ م، به‌طور گسترده مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفت (Rougule, ۲۰۰۷ & ۲۰۱۷). با توجه به اهمیت این محوطه باستانی از نظر جنبه‌های باستان‌شناسی و تاریخی-فرهنگی پرونده ثبت جهانی بندر قلعات نیز توسط هیأت فرانسوی تدوین و به سازمان یونسکو تحویل گردید (Rougule, ۲۰۱۷: ۱-۵۸). این محوطه باستانی در سال ۱۳۹۷ ش، در فهرست آثار میراث جهانی به ثبت رسید.

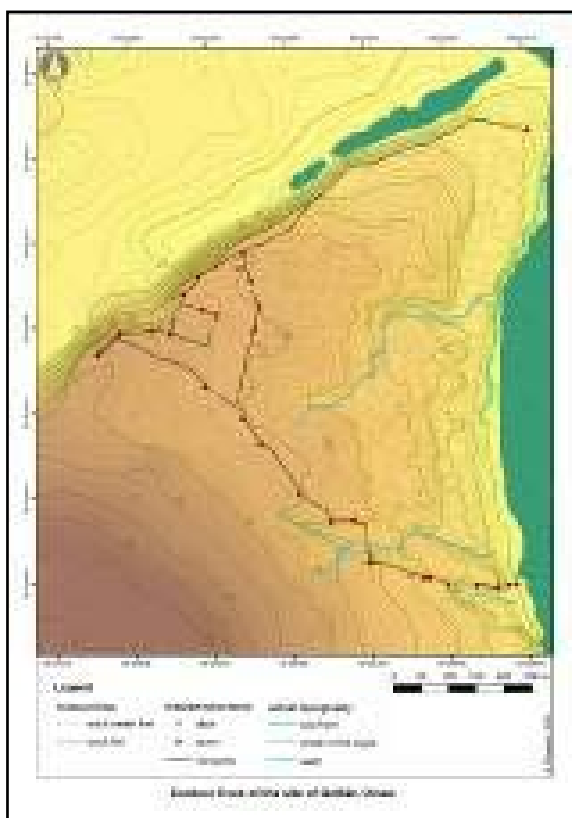
پیشینه تاریخی

بندر باستانی قلعات در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال شهر بندری و صنعتی صور در استان شرقی عمان واقع شده است (نقشه‌های ۱ و ۲). قلعات یکی از مهم‌ترین بنادر سرزمین‌های اسلامی در کنار بنادر دیگری از جمله: سُحار، قوریات، نَزوه، مسقط و سیراف بوده که در طول تاریخ خود با توجه به موقعیت مکانی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (جاوری، ۱۳۹۰: ۱۶۹؛ Rougule, 2017: 4-5). این بندر در محدوده‌ای که عوارض طبیعی شامل کوه و دریا آن را به شکل مثلث درآورده، به وسعت ۴۰ هکتار شکل گرفته که از غرب به ارتفاعات جبل الحجر و از شمال به دره آبرفتی وادی الحلم و از شرق به دریا و از جنوب به حصار و باروی شهر محدود می‌شود (نقشه ۳).



نقشه ۱. موقعیت قلعات در آسیای غربی (نگارنده، ۱۴۰۰).
نقشه ۲. موقعیت قلعات در کشور عمان (نگارنده، ۱۴۰۰).

گاه‌نگاری تطبیقی داده‌های باستان‌شناسی حاصل از برنامه بررسی و به‌ویژه سفال‌های سطحی، در مقایسه با دیگر محوطه‌هایی که آثاری مشابه با نمونه‌های یافت‌شده، قلعات دارند سابقه این شهر را به هزاره سوم پیش از میلاد «عصرمفرغ عمان» می‌رساند (تصویر ۱)، (Döpfer, 2021: 324). از سویی دیگر، قطعات سفالی نمونه‌برداری شده از محوطه قلعات در این بررسی با سفال قرمز ظریف عصرمفرغ در جنوب شرق ایران نیز قابل مقایسه است (حصاری، ۱۴۰۰: ۲۱۶) که خود می‌تواند مؤید ارتباط فرهنگ‌های هم‌زمان در جنوب شرق ایران و عمان باشد. هم‌چنین شواهد تاریخی مؤید استمرار فعالیت ساکنان این مکان در دوره‌های آهن، پارت، ساسانی، صدراسلام، قرون میانه اسلامی (دوره سلجوقی) تا غروب قلعات در اوایل قرن یازدهم هجری قمری هستند (جاوری، ۱۳۹۰: ۱۶۸). برهمن اساس، شاهد یک دوره پنج‌هزار ساله سکونت و رونق در این شهر



نقشه ۳. نقشه توپوگرافی قلحات، وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ عمان (Google Earth).



تصویر ۱. قطعات سفال مفرغ جدید در قلحات (نگارنده، ۱۳۸۷).

بندری هستیم (جاوری، ۱۳۹۲: ۵). پس از آن، شاهد داده‌های متعلق به دوره آهن و دوران تاریخی و به‌ویژه تراکم مواد فرهنگی هم‌زمان با دوره ساسانی در این مکان هستیم (همان). در اوایل قرن یازدهم هجری قمری با اشغال این بندر توسط پرتغالی‌ها و سپس تخریب و انهدام کامل آن، قلعات دیگر روی عمران و آبادی به خود ندید و اکنون فقط ویرانه‌های آن موجود است. در حال حاضر، روستای کوچکی با ۵۵ خانوار در فاصله یک کیلومتری شرق شهر باستانی قلعات با همین نام موجود است که نشانی از عظمت و رونق قلعات باستانی را در خود ندارد.

به لحاظ پیشینه تاریخی، در کتیبه داریوش در بیستون به نام «ماکا» به عنوان بخشی از شاهنشاهی هخامنشی اشاره شده است (نارمن‌شارپ، ۱۳۸۸: ۳۳) که از نظر جغرافیای سیاسی به منطقه وسیعی از کشورهای فعلی امارات متحده عربی و عمان و حتی بخش‌هایی از سیستان و کرمان (مکران) در ایران اطلاق می‌شده است (Bhacker, 2004: 23). مهاجرت قوم «آزد» به رهبری «ملک بن فحم» در قرن اول میلادی، از یمن به سرزمین عمان یک نقطه عطف تاریخی برای آنجا محسوب می‌شود. طبق شواهد تاریخی محدوده عمان در آن زمان در دست پارتیان بود و با رسیدن قوم آزد به بندر قلعات جنگی شدید میان ساکنان پارتی شهر و آنان رخ می‌دهد که به شکست مدافعان پارتی می‌انجامد و قوم تازه‌وارد قلعات را به تصرف خود درآورده و در آن مستقر می‌شوند (Ibid: 23)؛ از آن پس، مقاومت پارتیان که براساس نوشته‌های مورخین عرب در تمامی سواحل شرقی و شمال عمان و خصوصاً در شهرهای مهمی نظیر: نزوه، سُحار و قوریات ساکن بوده‌اند و سپاهی مرکب از ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر داشتند درهم شکست و عمان به طور کامل به تصرف قوم آزد در آمد و به این ترتیب عمان پا به عرصه وجود گذاشت (Al Zadjali, 1997: 18). پارت‌ها به اهمیت راهبردی این سواحل در زمینه کنترل تجارت دریایی به خصوص با هند، شرق دور و آفریقا واقف بوده‌اند و در این زمینه توجه خاص داشته و تسلط بر این قلمرو برایشان اهمیت داشته است.

در دوره ساسانی محدوده عمان دوباره به تصرف ایرانیان در آمد و در اختیار شاهان این سلسله قرار گرفت (Al Zadjali, 1997: 18). در کتیبه «شاپور اول» در کعبه زردشت از این محدوده با نام «مزون» یاد شده و آن را بخشی از «ایران‌شهر» و به عنوان یکی از شهرستان‌های ایران معرفی کرده که امور آن به دست یک حاکم ایرانی - که «مرزبان» نامیده شده - اداره می‌شده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۳۵). مدارک موجود نشان می‌دهند که حاکمان ایرانی در طی دوره تاریخی از دوره هخامنشی تا پایان حاکمیت ساسانیان (۶۳۳ م.) بر محدوده بزرگی که امروزه تمامی کشورهای عمان و امارات عربی و یمن را دربر می‌گیرد، حکمروایی می‌کرده‌اند.

اگرچه از رویدادهای تاریخی این شهر در سده‌های نخستین اسلامی اطلاعی در دست نیست، اما از یافته‌های باستان‌شناسی به اهمیت خاص آن در زمینه تجارت انواع تولیدات هنری پی می‌بریم؛ به‌رحال، گزارش‌های تاریخی از تسلط مجدد ایرانیان بر این شهر پس از تصرف آن (۳۵۳ ه.ق.) توسط «عبدالدوله دیلمی» حکایت دارند (Bhacker, 2004: 29).

با روی کار آمدن سلجوقیان، حکمرانی جزیره هرمز و عمان برعهده سلجوقیان کرمان قرار می‌گیرد و از این پس نفوذ سلاطین ایرانی بر هرمز تا زمان اشغال قلعات توسط پرتغالی‌ها ادامه می‌یابد (Ibid: 30). درخصوص این نفوذ سیاسی، «مارکوپولو» در سفرنامه خود چنین می‌نویسد: «قلعات شهری نیکو در کنار دریا است که ساکنان آن مسلمان‌اند. آنان فرمانبردار هرمز هستند و تمام اوقاتی که امیر هرمز با دشمنی نیرومند در جنگ است، این شهر از او پشتیبانی می‌کند؛ زیرا موقعیتی مستحکم و غیر قابل نفوذ دارد و مردمش از محاصره شدن و تسخیر گشتن واهمه ندارند... شهر، بندری باشکوه دارد و در دهانه دریا قرار گرفته است که اگر مردم قلعات نخواهند هیچ کشتی نمی‌تواند از آنجا عبور کند؛ از این روی، امیر هرمز در برابر سلطان کرمان که او فرمانبردارش است دارای موقعیتی عالی و استثنایی است» (میلیونه، ۱۳۷۱: ۲۲۸).

اگر چه متون تاریخی قرون اولیه اسلامی نظیر الانساب «الاتوابی» از این شهر با نام «بندر قلّهات» و به عنوان یک بندر تجاری یاد نموده‌اند (Al Atwabi, 1984: 280)، اما اوج شهرت این شهر به عنوان بندرگاه اصلی عمان توسط «الادریسی» به قرن ۶ تا ۸ ه.ق. نسبت داده شده است (Rougeulle, 2017: 5). به علاوه از این شهر بندری و اهمیت آن در سفرنامه‌های افرادی چون «یاقوت بن المجاور» (المجاور، ۱۹۷۷)، مارکوپولو (میلیونه، ۱۳۷۱) و «ابن بطوطه» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱) نیز یاد شده است.

ابن بطوطه به رونق بازارهای قلّهات و خوبی مسجد آن و این که دیوارهای مسجد کاشی کاری دارد و بر محلی مرتفع بنا شده و مشرف بر دریا و بندر است و توسط بی بی مریم نامی ساخته شده است و «بی بی» به معنای «بانو» است، اشاره کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۹۷).

این بندر در انتهای دوره حیات خود هم‌زمان با سلطنت «شاه عباس اول» صفوی (۱۰۰۷-۹۶۵ ه.ش.) توسط پرتغالیان اشغال شد (Al Zadjali, 1998: 8). شایان ذکر است، پرتغالیان در این زمان در راستای بسط مستعمرات خود و تسلط بر خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ و اقیانوس هند و کنترل تجارت پر منفعت این قسمت‌ها اقدام به گسیل کشتی‌های جنگی و واحدهایی از نیروهای دریایی خود به این مناطق کرده و مناطق مهمی شامل جزایر و بندرهای متعددی را به اشغال خود درآوردند که می‌توان از مناطقی مثل: بندر گمبرون (بندرعباس)، جزایر هرمز و قشم در ایران و بنادر قلّهات، رأس الحد، سُحار و قوریات در عمان یاد کرد.

در سال ۱۶۳۹ م. (۱۰۱۸ ه.ق.) در پی شورش ساکنان قلّهات بر علیه اشغال‌گران و به تصرف درآوردن دوباره شهر، پرتغالی‌های شکست خورده در هنگام عقب‌نشینی با توپ‌های کشتی‌های خود، شهر را مورد آماج حملات شدید قرار داده و آن را به طور کامل ویران کردند؛ به طوری که به جز مقبره بی بی مریم و آب‌انبار شهر که در مجاورت آن بود تمامی ساختارهای شهری از میان برده شد (Ibid). برخی عدم تخریب مقبره را به دلیل احترام پرتغالی‌ها به نام «مریم» عنوان کرده‌اند؛ در حال، این تخریب چنان گسترده بود که به نابودی و متروک شدن قلّهات انجامید.

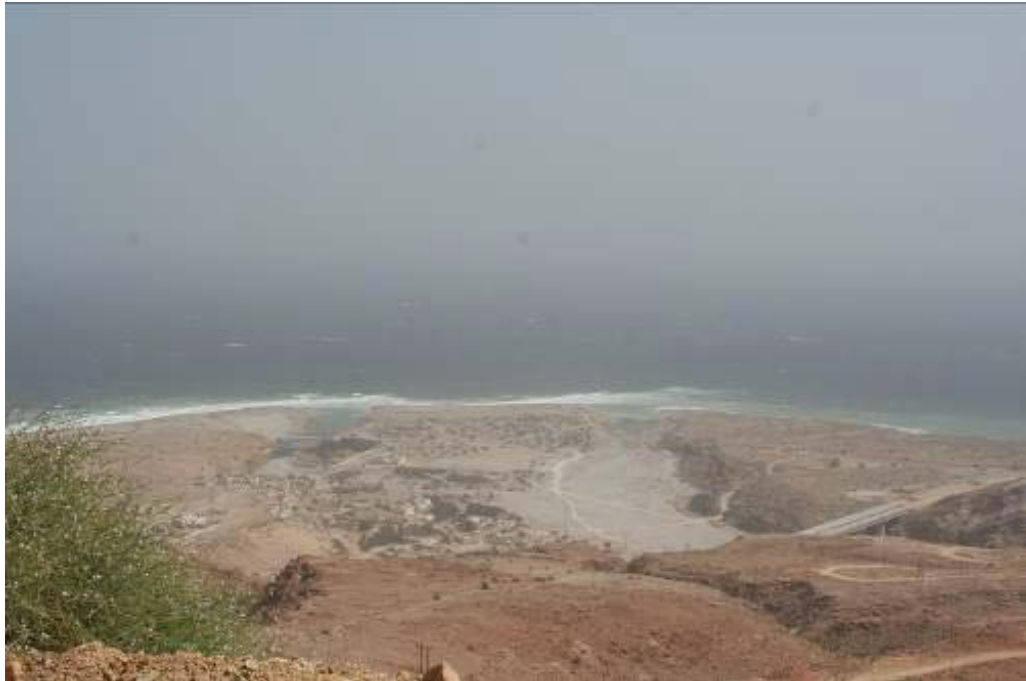
موقعیت جغرافیایی قلّهات

بندر باستانی قلّهات در محدوده‌ای هموار و فاقد پستی و بلندی در دامنه شرقی ارتفاعاتی به نام «جبل الحجر» در موقعیت $30^{\circ} 22' 59''$ شمالی و $40^{\circ} 41' 22''$ شرقی استان شرقی عمان و ۱۵ کیلومتری بندر امروزی صور برپا شده است. این شهر به لحاظ مکانی و راهبردی از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار است؛ به طوری که به خوبی امکان ارتباط دریایی عمان با اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای سرخ و آفریقا را فراهم می‌آورد (نقشه ۱). از سوی دیگر، از نظر دفاعی در انتخاب مکان آن دقت خاصی به عمل آمده؛ به طوری که بدنه شمالی شهر به دیواره صخره‌ای یک دره آبرفتی به نام «وادی الحلم»، و اندام غربی آن به ارتفاعات جبل الحجر و از تمامی جناح شرقی و بخش جنوب به دریا محدود می‌گردد (تصویر ۲). این محوطه باستانی شبیه به یک مثلث متساوی‌الساقین است که طول دو ضلع اصلی آن به حدود ۹۰۰ متر می‌رسد (جاوری، ۱۳۹۰: ۱۷).

بدین ترتیب، از عوارض موجود به بهترین وجه در راستای اهداف دفاعی استفاده شده است؛ مارکوپولو نیز چنان که پیش‌تر گفته شد به استحکامات قدرتمند این شهر و قدرت دفاعی آن را در سفرنامه‌اش اشاره کرده است (میلیونه، ۱۳۷۱: ۲۲۸).

برنامه باستان‌شناسی قلّهات

در پی عقد یک موافقت‌نامه میان پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور و وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ پادشاهی عمان، دو فصل برنامه پژوهشی در محوطه قلّهات به سرپرستی نگارنده به انجام رسید.



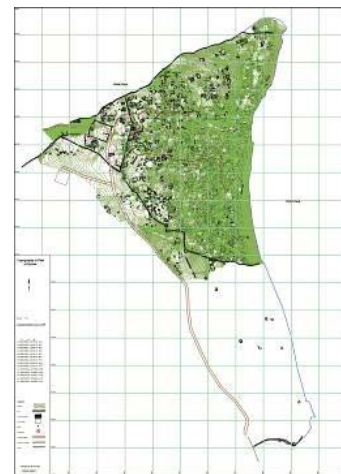
تصویر ۲. دورنمای بندر قلهاات و روستای فعلی مجاور آن (نگارنده، ۱۳۸۶).

طی فصل اول در زمستان ۱۳۸۶ ه.ش.، این محوطه مورد بررسی باستان‌شناسی قرارگرفت و کلیه بقایای معماری آن نقشه‌برداری شد (نقشه ۴)، (جاوری، ۱۳۸۷: ۱۳)؛ در فصل دوم، در زمستان ۱۳۸۷ ه.ش.، براساس شناخت حاصل از بررسی باستان‌شناسی انجام‌شده یک محل برای کاوش انتخاب شد که حاصل آن بیرون آوردن یک بنا با کاربری خان یا اقامتگاه مسافران از دل خاک بود (جاوری، ۱۳۹۲: ۲۲).

با انجام برنامه بررسی باستان‌شناسی محوطه قلهاات اطلاعات درخورتوجهی درخصوص این بندر قدیمی به دست آمد که در ذیل به گزیده‌هایی از آن در راستای بحث مقاله می‌پردازیم. در برپایی شهر قلهاات نکات دفاعی به خوبی مورد لحاظ قرار گرفته است. این شهر که مساحت آن به ۴۰ هکتار می‌رسد، بین دو حصار دفاعی محدود شده است (نقشه ۴).



تصویر ۳. نقشه‌برداری شهر قلهاات (نگارنده، ۱۳۸۷).



نقشه ۴. نقشه شهر قلهاات (برداشت توسط هیأت ایرانی زمستان ۱۳۸۶).

به منظور دفاع از این شهر در بخش‌های غربی، شمالی و جنوبی، حصار با استفاده از لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ‌های بزرگ که با ملات اندک گل روی هم چیده شده و فاصله بین دو دیوار را با سنگ‌های ریز و خرده‌سنگ پر نموده‌اند، اقدام به تقویت بنیه دفاعی شهر کرده‌اند (تصویر ۴). عرض حصار اول در بخش‌های مختلف اندازه‌های متفاوتی از ۱ تا ۲ متر را نشان می‌دهد. دروازه اصلی شهر در بخش مرکزی واقع بوده که در طی فصل اول حضور هیأت باستان‌شناسی ایرانی محدوده آن مشخص شد و بر روی نقشه منعکس گردید. یکی از ویژگی‌های حصار این است که در فواصل مختلف به برجک‌های دفاعی (تصویر ۵) مجهز شده که از طریق آن هم به استحکام حصار کمک می‌شده و هم در امر تدافع مؤثر بوده‌اند (جاوری، ۱۳۸۷: ۱۷).



تصویر ۴. حصار سنگی قلعات (نگارنده، ۱۳۸۶).

آثار پیرجامانده مؤید وجود شهری با ساختمان‌های مترکام محصور در حصار اول بوده که محلات مختلفی را تشکیل می‌داده‌اند. مصالح مورد استفاده در امور ساختمانی را سنگ‌های دریایی سبک وزن شامل انواع سنگ‌های مرجانی به اضافه قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگ در اندازه‌های مختلف تشکیل می‌داده است. ابعاد و اندازه‌های خانه‌ها نشان می‌دهند که برخی محقر و دارای اندازه‌های کوچک در حد یک آلونک و برخی بزرگ با یک حیاط مرکزی با چند اتاق بوده‌اند؛ اگرچه کوچک‌ترین اثر یا نشانه‌ای که مؤید چگونگی پوشش فضاهای مسکونی موجود در این شهر باشد در دست نیست، اما با توجه به نوع مصالح بناها می‌توان گفت که سقف آن‌ها به صورت تخت و با استفاده از مصالح چوبی، به خصوص درخت نخل به صورت تیر پوش بوده است که بر همین اساس می‌توان به‌گونه‌ای تفکیک محلات در شهر دست‌یافت (جاوری، ۱۳۸۷: ۲۴).

یکی از محله‌های مورد بررسی، بقایای مسجد جامع ویران شده قلعات است که در بخش جنوب شرقی شهر و مشرف به دریا قرار دارد (نقشه ۴). این مسجد که در متون تاریخی از آن به عنوان مسجدی بزرگ و باشکوه و دارای تزئینات کاشی یاد شده (ابن بطوطه، ۱۳۶۱)، با نقشه مربع‌شکل با مصالحی شامل قلوه‌سنگ و سنگ‌های سبک مرجانی مانند سایر ساختمان‌های شهر در دو طبقه (تصویر ۶)، احداث و از آثار مکشوف سطحی می‌توان چنین دریافت که به روزگار آبادانیش به وسیله انبوهی از عناصر تزئینی وابسته به معماری مزین می‌گشت. کاشی‌های به‌کاررفته در این بنا از نوع اختری و چلیپایی در رنگ‌های فیروزه‌ای و سبز هستند (همان)، (تصویر ۷).

مهم‌ترین بنای موجود این شهر مقبره موسوم به «بی‌بی مریم» است که بنایی چهارگوش با مدفنی سردابه‌ای دارد (تصویر ۹)، بنایی که همان‌طور که گفته شد از تخریب فراگیر شهر توسط پرتغالی‌ها در امان مانده است (تصویر ۸). بی‌بی مریم، همسر «امیر بهاء‌الدین ایاز» (۶۹۶-۶۹۲ ه.ق.) حاکم دوره ایلخانی و از سلسله ملوک هرمز، در هرمز بوده که پس از مرگ همسرش به مدت دو سال در حدود سال‌های ۶۹۶ و ۶۹۷ ه.ق. بر تخت می‌نشیند. با توجه به شواهد



تصویر ۷. قطعات پراکنده کاشی روی سطح مسجد جامع قلّهات (نگارنده، ۱۳۸۶).



تصویر ۶. طرح بازسازی مسجد جامع قلّهات (Rougeulle, 2017: fig17).

موجود، قسمت‌هایی از داخل و خارج مقبره با کاشی پوشیده شده بوده است. در حال حاضر به جز چند قطعه معدود هیچ‌یک از تزئینات کاشی روی این بنا باقی نمانده، اما نشانه‌های موجود روی سطوح داخلی (تصاویر ۱۰ و ۱۱) از پوشیده بودن قسمت‌های زیادی از بنا با انواع کاشی حکایت می‌کند. با انجام بررسی محدوده پیرامونی این بنا قطعاتی از چند نوع کاشی به دست آمد که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.



تصویر ۸. مقبره بی‌بی مریم (نگارنده، ۱۳۸۶).

کاشی‌های به دست آمده از بررسی

الف- کاشی‌های به دست آمده از بررسی مقبره بی‌بی مریم

مقبره بی‌بی مریم با توجه به ویژگی‌هایش منحصر به فردترین مقبره تاریخی در کشور عمان است. این مقبره با ابعاد ۶×۶ متر در راستای قبله، هم‌سان با سایر ابنیه موجود در قلّهات با مصالح قلوه‌سنگ، سنگ‌های مرجانی و ملات گچ برپا شده؛ شواهد موجود حاکی از این است که این بنا گنبدی رفیع نیز بر فراز خود داشته که در زمانی نامعلوم فرو ریخته و صرفاً استوانه زیرین آن

باقی مانده است. نمای بیرونی بنا که ترکیبی از طاق نما و نغول دارد، با گچ پوشانده شده است. این احتمال وجود دارد که تزئینات کاشی بر بدنه بیرونی نیز وجود داشته و به مرور زمان فرو ریخته است.

این بنا درست پس از دهانه ورودی یک اتاق قبر به شیوه سردابه‌ای (تصویر ۹) دارد که با هفت پله به اتاق قبر ۲×۲ متری دسترسی می‌دهد که از این نظر نیز با مقابر فرم سردابه‌ای هم‌زمان خود در ایران مشابه و در تمامی مناطق فراسوی خلیج فارس، این سنت گور سردابه‌ای نمونه مشابه‌ای ندارد.



تصویر ۹. برش مقبره بی بی مریم و موقعیت سرداب آن (Rougeulle, 2017: fig42).
تصویر ۱۰. قاب روی محراب و اثر کاشی‌های خشتی روی آن (محمدکریم متقی، ۱۳۸۶).

نمای بخش داخلی از آزاره به بالا با یک لایه نسبتاً ضخیم گچ پوشانده شده که اثر چندین لایه مرمتی در آن مشهود است. به منظور احداث گنبد در هر یک از گوشه‌ها، گوشوارسازی کرده و با مقرنس‌های گچی آن‌ها را آراسته‌اند. این مقرنس‌ها (تصویر ۱۲) نیز در سراسر عمان نمونه مشابه‌ای ندارند. بر میانه دیوار سمت قبله، یک محراب ایجاد شده که بخش فوقانی آن نیز تزئینات مقرنس دارد. بر بالای این محراب در یک محدوده چهارضلعی به ابعاد ۱۷۵×۱۵۰ سانتی متری رد کاشی‌های خشتی مربع شکل برجای مانده، احتمالاً درگذشته در این محل یک کتیبه کاشی وجود داشته است. شایان ذکر است قطعاتی کاشی کتیبه‌دار شناسایی شده (جدول ۱، ردیف ۷) ممکن است به همین محل تعلق داشته‌اند. آزاره این بنا با توجه به شواهد باقی مانده پوشیده از تزئینات کاشی بوده است. داغ و اثر وجود کاشی‌ها و حتی فرم آن‌ها هم‌چنان روی بدنه آزاره بنا پابرجاست که نشان می‌دهند کاشی‌ها از نوع کوبی و چلیپایی بوده‌اند که این شواهد در سراسر آزاره نمای داخلی مشهود است. تمامی کاشی‌ها به مرور زمانه فرو افتاده و از میان رفته‌اند، اما دو قطعه شکسته از این کاشی‌ها هنوز در جای خود باقی مانده است (تصویر ۱۱). مشابه همین اتفاق در مقبره «عبدالصمد» در نطنز نیز مشهود است که طی آن به جز چند کاشی چلیپایی و بخشی از یک کاشی کوبی زرین فام، تمامی کاشی‌ها فرو افتاده و یا کنده شده‌اند (جدول ۱، ردیف ۸). در طی بررسی اطراف این مقبره، قطعات ارزشمندی از کاشی‌های زرین فام و قطعاتی از کاشی‌های دیگر به دست آمد.

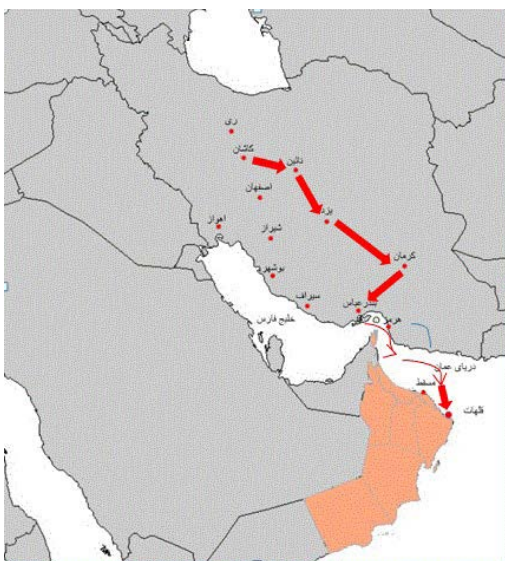


تصویر ۱۲. گوشه‌سازی و مقرنس‌کاری در مقبره بی‌بی مریم (نگارنده، ۱۳۸۶).

تصویر ۱۱. بقایای دو کاشی چلیپایی و اثر کاشی‌های کوکبی در یکی از ازاره‌های مقبره بی‌بی مریم (نگارنده، ۱۳۸۶).

این کاشی‌ها وقتی اهمیت می‌یابند که در تمامی منطقه فراسوی خلیج فارس تاکنون هیچ گزارش دیگری دال بر به‌کارگیری این نوع از کاشی‌ها در یک بنا وجود ندارد. نظر به این‌که این گونه خاص از کاشی از لحاظ فرم و نقش صرفاً طی قرون ششم و هفتم ه.ق.، در مراکز مهم سفال و کاشی ایران، از جمله: کاشان، ری، جرجان و کرمان ساخته می‌شده‌اند، باید اذعان کرد که این کاشی‌ها به‌طور قطع در ایران ساخته شده و برای تزئین این مقبره به‌عنوان کالاهای تجاری به عمان منتقل شده‌اند. مسیر انتقال این کاشی‌ها به‌عنوان یک مسیر مواصلاتی مهم (نقشه ۴) که بخش‌های جنوبی را به شهرهای مرکزی و غرب و شرق ایران متصل می‌کرده در تمامی طول دوره تاریخی تا دوره معاصر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. شهر کاشان به‌عنوان یکی از مراکز مهم تولید سفال و کاشی به‌ویژه کارهای احیایی و زرین‌فام جایگاه خاصی دارد، تولید و انتقال کارهای گوناگون زرین‌فام اعم از ظروف و کاشی به‌خصوص براساس نمونه‌های امضادار (مکوندی، ۱۳۹۱) و مقایسات سبک‌شناختی اهمیت این شهر در این زمینه را شاخص‌تر می‌نماید. گذشته از کاشان و وجود برخی شواهد، شهر کرمان نیز در زمینه تولید و انتقال محصولات زرین‌فام به نقاط دیگر فعال بوده است (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱). هر دو مرکز تولید سفال و کاشی‌های احیایی، وقتی اهمیت ویژه می‌یابند که ردپای محصولاتشان را در فراسوی مرزهای ایران بباییم و در این زمینه، کاشی‌های به‌دست‌آمده از قلعات گواهی بر این موضوع‌اند.

کاشی‌های به‌دست‌آمده از بررسی شامل: کاشی‌های زرین‌فام کوکبی و کوکبی ساده، کاشی خشتی زرین‌فام، کاشی خشتی فیروزه‌ای با نقش قالبی و کتیبه‌دار، کاشی چلیپایی فیروزه‌ای، کاشی لاجوردینه، و کاشی خشتی منقوش هستند (جدول ۱). این تنوع در نمونه‌ها نشان می‌دهند گونه‌های مختلف کاشی برای تزئین مقبره بی‌بی مریم مورد استفاده قرار گرفته است. شایان ذکر است عدم امکان دسترسی به نمونه‌ها در کشور عمان برای انجام آنالیزهای عنصری، نگارنده را به



تصویر ۱۳. کاشی محرابی زرین فام (DeGeorge, 2002: 90).

نقشه ۴. مسیر تجاری ایران و عمان در قرن هفتم هجری قمری (نگارنده، ۱۴۰۰).

انجام مقایسه و تطبیق نمونه‌های دیگر در این تحقیق محدود کرده است، قطعاً انجام آنالیزهای عصری می‌توانست این تحقیق را از نظر انتساب به محل‌های ساخت تکمیل نماید.

در ادامه، کاشی‌ها را براساس ترتیب شماره‌گذاری در جدول مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ کاشی شماره ۱ جدول ۱، قطعه کاشی زرین فام با نقوشی مرکب از حروف کوفی «لام و الف» که در فواصل میان هرکدام یک گل ترسیم شده است، این نقش دقیقاً در نمونه‌های به دست آمده از کرمان با ترکیب «لعا» و ترسیم همان نمونه گل برابری می‌کند. شایان ذکر است شیوه اجرای این نقوش در کاشی زرین فام قلّهات و نمونه‌های کرمان به حدی به هم شباهت دارند که حتی می‌توان هر دو کار را به یک کارگاه و هنرمند نسبت داد.

در ردیف ۲، بخشی از یک کاشی زرین فام کوبی قرار دارد که شکل و ترکیب نقش و نوع گل ترسیم شده با نمونه‌های مشابه در کرمان مشابهت دارد (جدول ۱، ردیف ۲).

در ردیف ۳، دو نوع کاشی کوبی زرین فام و بخشی از یک کاشی چلیپایی قرار دارد. نوع زرین فام با نمونه (جدول ۱، ردیف ۲) از نظر نقش و کیفیت پخت برابری می‌کند. کاشی چلیپایی با نمونه‌های فراوانی در بناهای متعددی از جمله: سلطانیه، مجموعه نطنز و پیربکران مشابهت دارد. خوشبختانه در قسمتی از آزاره شمالی مقبره بی بی مریم هنوز بخش‌هایی از کاشی‌های چلیپایی هم‌چنان در جای خود باقی مانده‌اند (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

در ردیف ۴، سه قطعه کاشی کوبی قرار دارد که هر سه زرین فام‌اند؛ البته نقوش ترسیمی در دو قطعه به دلیل احیاء ناقص به شدت محو شده‌اند، ولی هر سه نقشی مشابه هم دارند که با نمونه‌های ردیف‌های ۲ و ۳ از نظر فرم، نقش و ساخت مشابهت دارد (جدول ۱، ردیف ۴).

در ردیف ۵، بر باقی مانده یک کاشی خشتی در بخش زیرین نقش قالب زده فوقانی نوعی نقش خاص به شکل قوس جناغی که سمت چپ آن کلمه «الحق» دیده می‌شود. نمونه‌های زیادی از این طرح در کاشی‌های مشابه در ایران در اغلب مراکز سفالگری از جمله در نمونه‌های اخیر یافت شده در کرمان مشهود است (جدول ۱، ردیف ۵). این نقش شامل یک فرم جناغی شکل که با یک قوس که خط آن رو به پایین چرخش دارد و عیناً با چند سانتی متر فاصله در زیر تکرار شده است و معمولاً کلمه‌ها و یا جملاتی اعم از متون مذهبی - قرآنی، شعر و اسامی را نیز بر خود دارد.

این طرح یکی از طرح‌های شاخص در کاشی‌های زرین‌فام است که در نمونه‌های به‌دست‌آمده از تخت سلیمان نیز دیده می‌شود (Porter, 2019: 23) و یک نمونه استثنایی آن در کاوش‌های هیأت فرانسوی از مسجد جامع قلهات هم به‌دست آمده است (جدول ۳، ردیف ۳). البته این ترکیب نقش در سایر نمونه‌های باقی‌مانده در کاشی‌ها به‌خصوص کاشی‌های زرین‌فام لوحه‌ای محراب‌ها (تصویر ۱۳) نیز دیده می‌شود و یکی از نقش‌های رایج در کاشی‌های زرین‌فام اعم از خشتی و لوح محراب این دوره بوده است.

در ردیف ۶، بخش بالایی یک کاشی نوع خشتی فیروزه‌ای قرارداد که نقشی انتزاعی از نوع قالب‌زده دارد و از نظر مقایسه در بسیاری از بناهای دوره ایلخانی در ایران از جمله در تربت شیخ‌جام قابل مقایسه است (جدول ۱، ردیف ۶). در ردیف ۷، قطعات دیگری کاملاً مشابه با این کاشی دیده می‌شود که نشان می‌دهد این کاشی هم به کتیبه‌بنا (جدول ۱، ردیف ۷) مربوط است. در ردیف ۷، قطعات دیگری از کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای که بر روی برخی حروفی به خط ثلث برجسته به صورت ناقص دیده می‌شود، مشهود است. متأسفانه حروف نشان‌دهنده هیچ کلمه خاصی نیستند (جدول ۱، ردیف ۷). نگارنده بر این نظر است که قطعات مزبور در کنار هم مجموعاً کتیبه‌ای به خط ثلث را تشکیل می‌داده که برفراز محراب در یک محل اختصاصی به عنوان کتیبه (تصویر ۱۰) نصب بوده و به مرور فروریخته و به تدریج به اطراف پراکنده شده است. چند حرف «ع»، «ل» و «س» در این میان قابل تشخیص‌اند. مشابه این کتیبه در مسجد جامع نطنز مشهود است (جدول ۱، ردیف ۷).

در ردیف ۸، چهار قطعه از پره‌های کاشی نوع چلیپایی دیده می‌شود که گونه‌ای رایج در کاشی‌کاری ترکیبی کوکبی و چلیپایی در بسیاری از بناهای دوره ایلخانی از جمله مقبره پیربکران (تصویر ۱۴)، (جاوری، ۱۳۸۷) و مقبره عبدالصمد نطنز (جدول ۱، ردیف ۷) در ایران مشهود است. در ردیف ۹، قطعاتی از کاشی لاجوردینه دیده می‌شود که به‌طور کل به لحاظ کمیابی این نوع از کاشی در نوع خود استثنایی محسوب می‌شود و حتی در ایران نیز نمونه‌های آن اندک است،



تصویر ۱۴. ازاره مقبره پیربکران، استفاده ترکیبی کاشی‌های کوکبی و چلیپایی (جاوری، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

نمونه‌های این کاشی نیز در کاشان به عنوان یکی از مراکز اصلی تولید آن (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۸۶۳؛ ویلسن‌آلن، ۱۳۸۶: ۴۵) قابل مقایسه‌اند.

کاشی‌های زرین‌فام کوکبی ردیف‌های ۱ تا ۵ به دست آمده از این محل از نظر فرم و نقش با نمونه‌هایی که در کرمان شناسایی و معرفی شده‌اند (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹) قرابت خاصی دارد؛ با توجه به این که نمونه‌های مذکور در یکی از کارگاه‌های کرمان تولید شده‌اند (همان: ۲)، به نظر می‌رسد بخشی از کاشی‌های زرین‌فام، چلیپایی و کاشی‌های خشتی زرین‌فام قلهات نیز در کرمان تولید و به آنجا منتقل شده‌اند، این قرابت به خوبی در نقوش کاشی‌های شناسایی شده در کرمان دیده می‌شود و همان‌طور که قبلاً گفته شد حتی اثر کار یک هنرمند سازنده و کارگاه مشترک احتمالی را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد.

در خصوص کاشی‌های خشتی کتیبه‌دار قرابت خاصی با نمونه‌های مسجد جامع نطنز (جدول ۱، ردیف ۷) دیده می‌شود که احتمالاً تولید آن‌ها در کاشان و انتقال به قلهات را نشان می‌دهد. در همین خصوص، یکی از سیاحان اروپایی در این باره خاطر نشان می‌کند که تزئینات کاشی مقبره بی‌بی‌مریم از کاشان به آنجا برده شده و کار گچ‌بری بنا نیز توسط یک استاد کار ایرانی انجام پذیرفته است (Al Zadjali, 1998: 7).

یکی از شواهد مهم دیگر به دست آمدن چند قطعه کاشی لاجوردینه در بررسی محدوده مقبره بی‌بی‌مریم است؛ با توجه به این که کاشی‌گونه لاجوردینه که کاشان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید آن بوده است (Fehrevari, 2000: 232)، محل تولید این کاشی‌های کمیاب را نیز می‌توان به کاشان نسبت داد. این کاشی‌ها نیز در قالب سفارش به کاشی‌ساز پس از تولید به قلهات تجارت شده‌اند. شایان ذکر است حتی در زمان حاضر در کشور عمان به هر گونه تزئین کاشی اعم از قدیم و جدید واژه «کاشانی» اطلاق می‌شود که ماندگاری خاطرۀ این ارتباط تجاری در طول تاریخ را بیان می‌کند.

همان‌طور که گفته شد، رد و اثر کاشی‌ها بر روی نمای داخلی از به‌کارگیری چند نوع کاشی حکایت دارد؛ هم‌چنین تنوع کاشی‌های به دست آمده از پیرامون بنا نشان‌دهنده این است که مقبره بی‌بی‌مریم بنایی فاخر و پوشیده از انواع کاشی‌ها در زمان آبادی خود بوده که آن را به لوء‌لوء درخشان شهر قلهات تبدیل کرده بوده است. با توجه به پراکندگی قطعات شکسته در اطراف بنا، این احتمال وجود دارد که این کاشی‌ها بر اثر بی‌توجهی، به مرور زمان فروریخته‌اند و به دلیل فقدان جایگزینی و هم‌چنین عدم آشنایی ساکنان این شهر با چگونگی مرمت این محصول وارداتی و هم‌چنین تعمیر و مرمت عمومی بنا، این مقبره به تدریج رو به ویرانی نهاده و به وضع امروزی درآمده است. پراکندگی قطعات کاشی در اطراف بنا نیز می‌تواند دلیلی بر تخریب تدریجی و غیرعمدی در بخش‌های مختلف خود باشد؛ ضمن این که عدم تخریب این بنا توسط پرتغالی‌ها علاوه بر احترام نام «مریم» می‌تواند تالو و رنگارنگ بودن این مقبره زیبا نیز بوده باشد. در جدول ۲، تصاویری از قطعات کوچک و خردشده کاشی‌های خشتی تک‌رنگ فیروزه‌ای و زرین‌فام قرار دارد که با توجه به کوچکی، قابلیت انطباق را نداشتند و صرفاً مورد مستندسازی قرار گرفتند (جدول ۲، تصاویر ۱ تا ۵).

ب- کاشی‌های مسجد جامع قلهات

مسجد قلهات در بخش یک-سوم ضلع شرقی شهر و مشرف بر دریا و یکی از اسکله‌های ورودی از دریا به شهر احداث شده است. به شکوه و زیبایی این مسجد و به‌کارگیری تزئینات کاشی در آن توسط جهانگردان از جمله «ابن بطوطه» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۹۷) اشاره شده است. ویرانه‌های این مسجد نیز در ادامه فعالیت پژوهشی هیأت ایرانی مورد بررسی قرار گرفت، ولی با توجه به این که از سوی ناظر وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ «خلیفه‌حمد» مطلع شدیم که این محل توسط یک هیأت فرانسوی

جدول ۱. مستندسازی و مقایسه کاشی‌های قلهات با نمونه‌های مشابه در ایران (نگارنده، ۱۴۰۰).

شماره	نمونه‌ها	طرح	نمونه مشابه
۱	 کاشی خشتی زرین فام (نگارنده، ۱۳۸۶)	 (نگارنده، ۱۴۰۰)	 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۳)
۲	 کاشی کوکبی زرین فام (نگارنده، ۱۳۸۶)	 (نگارنده، ۱۴۰۰)	 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۲، شماره‌های ۱ و ۱۸)
۳	 کاشی کوکبی و چلیپایی زرین فام (نگارنده، ۱۳۸۶)	 (نگارنده، ۱۴۰۰)	 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۲، شماره‌های ۱ و ۱۸)
۴	 چند قطعه کاشی کوکبی زرین فام... عکس از نگارنده، زمستان ۱۳۸۶		 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۲، شماره‌های ۱ و ۱۸)
۵	 کاشی خشتی زرین فام. (نگارنده، ۱۳۸۶)	 (نگارنده، ۱۴۰۰)	 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۲، شماره‌های ۲۶ و ۳۸)

 <p>(Watson, 2020: No 222)</p> <p>کاشی فیروزه‌ای با نقش قالبی در تربت شیخ جام (Pickett, 1997: No 66)</p>	 <p>(نگارنده، ۱۴۰۰)</p>	 <p>بخش فوقانی کاشی خشتی فیروزه‌ای با نقش قالبی. (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>۶</p>
 <p>مسجد جامع نطنز، کتیبه کاشی فیروزه‌ای. (مجید نوری، ۱۴۰۱)</p>  <p>(Curatola, 2006: 80)</p>		 <p>قطعات کاشی خشتی متعلق به یک کتیبه تک‌رنگ فیروزه‌ای. (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>۷</p>
 <p>کاشی‌های خشتی باقی مانده در مقبره عبدالصمد نطنز. (نگارنده ۱۳۸۶)</p>		 <p>چهار قطعه از کاشی چلیپایی فیروزه‌ای. (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>۸</p>
 <p>(Fehrevari, 2000: No 296)</p> <p>(Watson, 2020: No 222)</p>		 <p>مجموعه‌ای از قطعات کاشی کمیاب لاجوردینه با نقش قالبی و نقش گیاهی. (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>۹</p>

جدول ۲. نمونه‌های غیر قابل تطبیق بررسی مقبره بی‌بی مریم (نگارنده، ۱۴۰۰).

<p>شماره (۳)</p>  <p>قطعاتی از کاشی‌های خشتی زرین فام (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>شماره (۲)</p>  <p>قطعه‌ای کاشی خشتی زرین فام (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>شماره (۱)</p>  <p>قطعات متنوع از کاشی‌های فیروزه‌ای (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>
	<p>شماره (۵)</p>  <p>قطعاتی از کاشی‌های خشتی زرین فام (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>	<p>شماره (۴)</p>  <p>دو قطعه کاشی ساده (نگارنده، ۱۳۸۶)</p>

برای انجام کاوش باستان‌شناسی در آینده نزدیک انتخاب شده بود، از نمونه برداری امتناع شد؛ اما شواهد سطحی مورد واریسی و شواهد در محل مورد مستندسازی قرار گرفت. بر روی سطح این بنا که به طور کامل تخریب شده، مقادیر زیادی قطعات کاشی در انواع کوبی، چلیپایی و چهارپیر فیروزه‌ای و لاجوردی مشهود است. این شواهد نشان می‌دهند سطوح زیادی از مسجد قلّهات با تزئینات کاشی پوشیده بوده است. در کاوش‌های انجام شده توسط هیأت فرانسوی در سال‌های اخیر بافت این مسجد به طور کامل نمایان شده (تصویر ۶) که نشان می‌دهد این بنا در دو طبقه احداث شده بوده و سطوح زیادی از آن با تمرکز روی سردر ورودی، تزئینات کاشی داشته است (تصویر ۱۵)، (Rougeulle, 2017: 35).



تصویر ۱۵. سردر ورودی مسجد جامع قلّهات (Rougeulle, 2017: fig22).

یک نوع خاص از تزئین نیز در این محل دیده شد که نوعی تلفیق کاشی و گچ‌بری بود. در این تزئین خاص به دو طریق عمل شده بود؛ ۱- در اولین شیوه ابتدا قطعات شکسته کاشی را در یک سطح صاف گچی قرار داده و روی آن اقدام به اجرای گچ‌بری ساده با نقوش ساده هندسی برجسته نموده‌اند، به طوری که سطحی پر و خالی پدید می‌آید که قطعات کاشی زمینه کار را تشکیل می‌دهد و تزئینات ساده گچ‌بری روی سطح قرار می‌گیرند (تصویر ۱۶). ۲- در روش دیگر قطعات شکسته کاشی را با قدری تراش دادن و منظم کردن لبه‌ها در اشکال مثلث و لوزی بر روی یک بستر مسطح گچی با نظمی هندسی کنار هم می‌چینند، در این روش، سطح تزئین صاف و یک دست می‌شود و برخلاف شیوه شماره ۱، زمینه کار یک دست بوده و هیچ برجستگی ندارد (تصویر ۱۷). در هر دو شیوه پس از اتمام کار یک قطعه موزاییک با قطر حدود ۱۰ سانتی‌متر پدید می‌آمده که بر روی بدنه دیوارها نصب می‌شده است؛ این که از این تزئینات در کدام بخش‌های مسجد و چگونه استفاده می‌شده، اطلاعی در دست نیست و کاوشگر مسجد نیز در این زمینه سکوت کرده است (Rougeulle, 2017: 1-58). این تزئین خلاقانه، اقدامی برای بازیابی قطعات کاشی شکسته و به‌کارگیری آن‌ها در یک تزئین جدید است. این عمل در میان تزئینات شناخته شده وابسته به معماری دوره اسلامی شیوه‌ای ابتکاری و جدید محسوب می‌شود که در جای خود از اهمیت خاصی برخوردار است؛ لذا نگارنده آن را «شیوه قلّه‌اتی» در تلفیق استفاده از گچ و کاشی نام‌گذاری می‌کند. برای ایجاد این تزئین خاص هم از قطعات کاشی‌های تک‌رنگ فیروزه‌ای و هم از قطعات کاشی زرین‌فام استفاده کرده‌اند.



تصویر ۱۷. شیوه شماره ۲: بخشی از یک عنصر تزئینی به صورت تلفیق قطعات کاشی زرین‌فام و فیروزه‌ای در بستر گچ از مسجد جامع قلّه‌ات (مرکز اسناد وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ عمان).

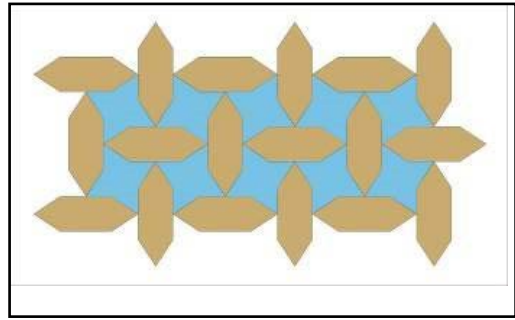


تصویر ۱۶. شیوه شماره ۱: بخشی از یک عنصر تزئینی به صورت تلفیق قطعات کاشی با گچ‌بری از مسجد جامع قلّه‌ات (نگارنده، ۱۳۸۶).

به نظر می‌رسد با توجه به این که کاشی به دلیل وارداتی بودنش، محصولی نایاب نزد مردمان این شهر به حساب می‌آمده؛ لذا پس از جدا شدن هر قطعه از کاشی از سطح زیرین خود و یا کنده شدن و افتادن تدریجی آن‌ها و یا شکسته شدن قطعات در حین حمل و طی مسیر طولانی و استفاده از دو شیوه حمل و نقل خشکی (کاروان) و دریایی (کشتی)، مردم قلّه‌ات قطعات شکسته را جمع‌آوری کرده و در این شیوه خاص از تزئین که نگارنده آن را «شیوه قلّه‌اتی» می‌نامد، مجدداً مورد استفاده و بازیابی قرار می‌داده‌اند. این شیوه از تزئین، یادآور یک اتفاق مشابه در ایران در برخورد با محصولات وارداتی کمیاب است. در دوره صفوی آینه‌ها و جام‌های شیشه از شهرهایی مانند ونیز و جنوا به صورت کالای تجاری به ایران وارد می‌شد که بعضاً در طول این مسیر طولانی دچار شکستگی می‌شد و در یک ابتکار جالب معماران با چسباندن این قطعات شکسته روی گچ، نوع

خاصی از تزئین را پدید آوردند که به گپ بری مشهور شد و در ادامه به آینه کاری منجر شد (اصلائی، ۱۳۸۷: ۵۸). در این رویه نیز دقیقاً با انجام یک ابتکار، شیء واردتی کمیاب در یک تزئین وابسته به معماری مورد بازیابی قرار گرفته است.

در بررسی ویرانه های مسجد قللهات بخشی از یک ستون مدور تشخیص داده شد که نیمی از آن از خاک بیرون بود. مغزه این ستون با قلوه سنگ و ملات گچ ایجاد شده و بدنه بیرون آن با آجرهای برش خورده و کاشی های چهار پر فیروزه ای تزئین شده است (تصاویر ۱۸ و ۱۹). این شیوه تزئین، یکی از گونه های «گره» به نام «گره شش و چهار لنگه» است که در نوع خود ترکیبی زیبا و بدیع را ایجاد می کند.



تصویر ۱۹. ستون مسجد جامع قللهات (نگارنده، ۱۳۸۶).

تصویر ۱۸. طرح بازسازی تزئینات ستون مسجد جامع قللهات با تلفیق آجر تراش و کاشی (نگارنده، ۱۳۸۷).

شایان ذکر است این مسجد به دلیل تخریب کامل و دست نخوردگی، تمامی داده های خود را حفظ کرده و چنان که کاوش نشان داد اطلاعات ارزنده ای را در اختیار گذارد. در کاوش های اخیر علاوه بر مشخص شدن بافت کامل مسجد اطلاعاتی هم در خصوص تزئینات به کاررفته در آن از جمله کاشی ها به دست آمد. شواهد نشان می دهند کاشی های کوبی و چلیپایی فیروزه ای و ستاره های چهار پر فیروزه ای و کاشی لاجوردینه در این مسجد برای تزئین استفاده شده است (Rougeulle, 2017: 15-18). مهم ترین عنصر تزئینی به دست آمده از این کاوش، یک قطعه کاشی خشتی زرین فام است (جدول ۳، ردیف ۳). این قطعه کاشی، مانند قطعه ردیف ۵، جدول ۱ با نقش جناغی دوخطی است که در فاصله میانی آن عباراتی به خط نسخ نوشته شده است و در دوسوی نقش جناغی دو پرنده دیده می شود. از نظر ساخت این کاشی به شیوه قالبی ساخته شده و با نمونه های تخت سلیمان قرابت خاصی دارد؛ با این تفاوت که عبارت های نگارش شده در کاشی های تخت سلیمان اشعار «فردوسی» را دربردارند (Porter, 2019: 97-147). حال آن که کاشی حاضر با توجه به محتوا: «[خلد] الله ملکه امیر ایاز السیفی» جنبه یادمانی دارد و در یک مسجد نصب شده بوده است و از این لحاظ جنبه اختصاصی می یابد. ضمن این که این محتوا نکات مهم پیش رو را خاطر نشان می نماید؛ ۱- این کاشی به سفارش ایاز حاکم مقتدر قللهات - همسر بی بی مریم - برای این مسجد ساخته شده است و احتمالاً بخشی از یک کتیبه احداث بنا بوده است. ۲- با وجود این که در متون تاریخی از «بی بی مریم» به عنوان سازنده مسجد یاد شده (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۹۷)، ولی کتیبه مندرج در این کاشی به نام «ایاز» و زمان حیات او اشاره دارد. ۳- نکته اخیر از نظر وجود یک ارتباط تجاری و فرهنگی میان یک مرکز تولید سفال و کاشی با قللهات در فاصله نسبتاً دور از آنجا از اهمیت خاصی برخوردار است؛ همچنین بر اهمیت کاشان به عنوان یک مرکز مهم تولید تخصصی کاشی های زرین فام صحه می گذارد. شایان ذکر است قبل از قللهات، دورترین

محل در ایران که کاشی زرین فام در آنجا به عنوان تزئین استفاده شده، مقبره‌ای به نام «امامزاده میرمحمد حنفیه» در جزیره خارک است (تصویر ۲۰)، (ترازده، ۱۳۸۴: ۵۲)؛ البته از نظر سبک و شیوه نقوش با نمونه‌های قللهات قرابتی ندارد. اهمیت کاشی‌های اخیر این است که از نظر مسافت دورترین مکان برای تزئینات کاشی زرین فام در محدوده ایران محسوب می‌شود.



تصویر ۲۰. کاشی‌های زرین فام امامزاده میرمحمد حنفیه در جزیره خارک (ترازده، ۱۳۸۴).

با توجه به این که شهر کاشان یکی از مراکز اصلی تولید این نوع از کاشی‌ها بوده و حتی کاشی‌های زرین فام تخت سلیمان توسط محقق آن‌ها از نظر محل ساخت به کاشان نسبت داده شده (Porter, 2019: 99)، کاشی خشتی زرین فام قللهات را نیز می‌توان محصولی وارد شده از کاشان دانست. از سوی دیگر، نتیجه می‌گیریم که یک کارگزار از سوی حاکم قللهات به این منظور به کاشان که در مسافت حدود ۱۶۰۰ کیلومتری از آنجا قرار دارد، اعزام و سفارش خود شامل انتخاب نوع کاشی‌ها و متن مورد نظر را به یک کاشی‌ساز داده و پس از اتمام کار، کاشی‌ها تحت نظارت او به قللهات حمل شده است، با در نظر گرفتن این که در مسجد جامع قللهات کاشی‌های مختلف دیگری نیز وجود دارد که همگی محصول ایران است و همگی براساس همین ارتباط به آنجا منتقل شده و در بنا استفاده شده‌اند.

در ردیف‌های ۱ و ۲ جدول ۳، دو قطعه کاشی زرین فام دیده می‌شود که در کنار کاشی‌های تک‌رنگ فیروزه‌ای در تزئین ویژه که - شیوه قللهاتی - نامیده شد (تصویر ۱۸) در بستر گچ تعبیه شده است. این کاشی‌ها نیز از نظر مقایسه با نمونه‌های کرمان (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل‌های ۲ و ۳) قابل تطبیق‌اند. بررسی‌های انجام شده در محدوده و پیرامون مسجد جامع نشان می‌دهند که مسجد از نظر تنوع و دامنه به‌کارگیری کاشی قابل مقایسه با مقبره بی‌بی‌مریم نیست و مقبره از این حیث بنایی کاملاً استثنایی محسوب می‌شود که بیرون و درون آن با انواع تزئینات رایج کاشی پوشیده بوده است و این می‌تواند دلیلی برای اهمیت خاص این بنا در دوره خود باشد. نگارنده معتقد است با توجه به این که در اتاق قبر سردابه‌ای این بنا دو گور (تصویر ۲۱) دیده می‌شود، این احتمال وجود دارد که در این مقبره علاوه بر بی‌بی‌مریم، همسر او یعنی ایاز نیز به خاک سپرده شده باشد؛ لذا در واقع این مقبره در درجه نخست به ایاز تعلق دارد که قبل از بی‌بی‌مریم درگذشته و سپس زیر نظر بی‌بی‌مریم به بهترین وجه تزئین شده است. هر هفته در روزهای دوشنبه مراسمی به یادبود بی‌بی‌مریم در این مقبره توسط ساکنان قللهات همراه با توزیع نذری به انجام می‌رسد (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۱. اتاق قبر سردابه‌ای مقبره بی بی مریم (محمدکریم متقی، ۱۳۸۶).
تصویر ۲۲. مراسم هفتگی یادبود بی بی مریم در مقبره مربوطه (نگارنده، ۱۳۸۶).

جدول ۳. کاشی‌های مسجد جامع قلّهات (نگارنده، ۱۴۰۰).

شماره	عکس	طرح	نمونه مشابه
۱	 قطعه کاشی زرین فام درزمینه گچ. (مرکز اسناد وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ عمان)	 (نگارنده، ۱۴۰۰)	 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۲، شماره ۱)
۲	 قطعه کاشی زرین فام درزمینه گچ. (مرکز اسناد وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ عمان)	 (نگارنده، ۱۴۰۰)	 (امیرحاجلو و همکاران، ۱۳۹۹: شکل ۲، شماره ۱)
۳	 (Rougeulle, 2017: fig15)		 (Porter, 2021: figs, 8 & 2)

نتیجه‌گیری

شهر باستانی قلّهات یکی از بنادر تاریخی مهم در منطقه دریای عمان است که با توجه به موقعیت راهبردی آن برای برقراری تجارت و ارتباط با مناطق دریای سرخ و آفریقا از یک سو، و از سوی دیگر با هند و شرق دور از دیرباز مورد توجه حاکمان ایران در طول تاریخ خود بوده است. مدارک تاریخی و شواهد غیرقابل انکار باستان‌شناسی به دست آمده از قلّهات افزون بر وابستگی‌های سیاسی، بر وجود یک ارتباط فرهنگی و هنری نیز صحه می‌گذارند. این بندرگاه مهم نه فقط به عنوان یک جایگاه مبادله، بلکه به عنوان مکانی برای صدور تفکرات و فرهنگ ایرانی و عربی-اسلامی به اقصی نقاط دنیا در طی دوران شکوفایی خود نقش پر اهمیتی را ایفا کرده است.

در پاسخ به پرسش نخست مبنی بر این که، کاشی‌های موجود در شهر قلّهات چگونه تبادل میان ایران و این بندر را تأیید می‌کنند؟ از آنجا که تولید کاشی‌هایی با مشخصات نمونه‌های به دست آمده از قلّهات صرفاً به مراکز سفال و کاشی ایران مربوط است و ساخت این گونه‌های خاص کاشی اعم از: زرین فام، لاجوردینه، کاشی‌های خشتی کتیبه‌ای با لعاب فیروزه‌ای، و کاشی‌های کوبی و چلیپایی با لعاب‌های فیروزه‌ای و سبز ارتباط با مراکز سفالگری و کاشی‌سازی ایران دارد، این نتیجه حاصل می‌شود که کلیه کاشی‌های موجود در قلّهات به عنوان یک کالای نایاب و ارزشمند و تولید هنری از ایران به قلّهات حمل شده‌اند.

در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر این که، این کاشی‌ها از کدام مرکز تولید این گونه محصولات به قلّهات حمل شده‌اند؟ با توجه به این که شهر کاشان در زمینه تولید برخی از محصولات کاشی براساس پژوهش‌های انجام شده، به ویژه گونه‌هایی مانند انواع کاشی‌های زرین فام خشتی و لوح‌های محراب و مزار و لاجوردینه از شهرت خاصی برخوردار بوده است و هم‌چنین این که نام خاندان‌های هنرمند در طی چند نسل در این ارتباط می‌درخشد که بسیاری از کارهای زرین فام باقی‌مانده همراه با امضاء متعلق به ایشان است؛ لذا بخشی از کاشی‌های قلّهات، از جمله کاشی زرین فام حاوی نام «ایاز»، لاجوردینه‌ها و قطعات فیروزه‌ای مربوط به کتیبه مسجد در کاشان تولید و به قلّهات حمل شده‌اند؛ از سوی دیگر، مشابهت برخی از کاشی‌های زرین فام از نظر تطبیق و مقایسه نقوش و طرح‌ها که از بررسی محدوده مقبره بی‌بی مریم به دست آمده با برخی نمونه‌های مشابه در کرمان احتمال حمل بخشی از کاشی‌های زرین فام متعلق به مقبره بی‌بی مریم از کرمان را قوت می‌بخشد.

سپاسگزاری

در وهله نخست، لازم می‌دانم از وزیر محترم وقت باستان‌شناسی و فرهنگ، کشور پادشاهی عمان جناب آقای هیثم بن طارق آل سعید (والاحضرت سلطان فعلی عمان) برای حمایت‌های کریمانه‌شان طی دو فصل حضور هیأت ایران در عمان، خانم بیوبوا علی الصبری (مدیر محترم پژوهش‌های باستان‌شناسی) و خانم رحمه الفارسی (مدیر محترم روابط بین‌الملل وزارت باستان‌شناسی و فرهنگ عمان)، آقای خلیفه خمیس حمد الراسبی (کارشناس ناظر برنامه باستان‌شناسی)، آقای خمیس ناصر العامری (مدیر اداره باستان‌شناسی استان شرقی عمان) و زنده‌یاد پروفیسور مائوریتزیو توزی و آقای دکتر مائوریتزیو کاتانی (رئیس هیأت باستان‌شناسی ایتالیا) در رأس الجنس برای کمک در عکس‌برداری هوایی از محوطه قلّهات و زنده‌یاد پروفیسور گریگوری پوسل برای حمایت‌هایشان برای استقرار هیأت ایرانی در مسقط و آقای دکتر حسن فاضلی نشلی (مدیر محترم وقت پژوهشکده باستان‌شناسی) که مقدمات اعزام هیأت ایرانی را فراهم نمودند و پشتیبانی‌های بی‌دریغ‌شان از انجام این برنامه پژوهشی برون‌مرزی، اعضاء خوب و پرتلاش هیأت ایرانی آقایان: مهندس محمدکریم متقی، کیوان امیری، پوریا سعیدی، داود حسنعلیان و غلامحسین صدیقی و

همکاران محترم در دانشگاه کاشان، آقایان: دکتر عباس اکبری برای راهنمایی‌هایشان در خصوص تطبیق کاشی‌ها و دکتر روح‌الله صیادی برای ترجمه متون عربی، آقای دکتر سعید امیرحاجلو برای همکاری‌های فاضلانه‌شان و دوست دانشمند جناب آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی برای خوانش کتیبه برخی کاشی‌ها و آقای عباس ترابزاده (مردم‌شناس محترم میراث فرهنگی کاشان) برای ارائه گزارش بررسی مردم‌شناسی خود در جزیره خارک و آقای دکتر مرتضی حصارى برای تهیه برخی مقاله‌های موردنیاز صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

پی‌نوشت

۱. شایان ذکر است برخلاف این موضوع در ایران برای این تزئین وابسته به معماری کلمه مخفف کاشی استفاده می‌شود، ولی در عمان به‌طور عموم حتی امروزه به این ماده ساختمانی «کاشانی» می‌گویند که خود می‌تواند مؤید این ارتباط دیرین باشد.

کتابنامه

- ابن بطوطه، محمد، (۱۳۶۱). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن‌المجاور، یاقوت، (۱۹۹۶). تاریخ‌المستبصر. القاهرة: الناشر مكتبة الثقافة الدينية.
- اصلانی، حسام، (۱۳۸۷). «فن‌شناسی تزئینات کُپ‌بری در کاخ هشت‌بهشت اصفهان». مجموعه مقالات نخستین گردهمایی گنجینه هنرهای از یاد رفته، جلد اول، تهران: نشر شادرنگ، صص: ۷۰-۵۷.
- امیرحاجلو، سعید، (۱۳۹۹). «معرفی، طبقه‌بندی و ساختارشناسی کاشی‌های زرین‌فام یافت‌شده از قلعه‌دختر شهر کرمان». پژوهش باستان‌سنجی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۲۳-۱.
- پوپ، آرتور اپهام؛ و اکرم، فیلیس، (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز، جلد ۴. سفال‌گری، خوشنویسی و کتیبه‌نگاری. ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترابزاده، عباس، (۱۳۸۴). «بازنگری مردم‌شناسی استان بوشهر». کاشان: مرکز اسناد اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کاشان (منتشرنشده)
- جاوری، محسن، (۱۳۸۶). «پیربکران». دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی. جلد چهاردهم، صص: ۱۱۹-۱۱۴.
- جاوری، محسن، (۱۳۸۷). «گزارش اولیه بررسی محوطه قلعات عمان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشرنشده).
- جاوری، محسن، (۱۳۹۰). «میراث ایرانی در بندر قلعات عمان». پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر سوم)، به‌کوشش: عبدالرسول تبریزی‌نیا، تهران: خانه کتاب.
- جاوری، محسن، (۱۳۹۲). «گزارش فصل اول کاوش در قلعات عمان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشرنشده).
- حصارى، مرتضی، (۱۴۰۰). «سنت آرامگاه‌ها در هزاره سوم قبل از میلاد در دمب‌کوه مکران، استان سیستان و بلوچستان». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص: ۲۲۴-۲۰۲.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳). ایران‌شهر. ترجمه مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- مکوندی، لیلا، (۱۳۹۱). «رقم بر سفالینه‌های دوره اسلامی ایران از سده یکم تا نهم هجری». کاشان: دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان (منتشرنشده).
- میلیونه، امیل، (۱۳۷۱). سفرنامه مارکوپولو. ترجمه سیدمنصور سجادی، تهران: بوعلی.

- نارمن شارپ، رالف، (۱۳۸۸). فرمان های شاهنشاهان هخامنشی. تهران: پازینه.
 - ویلسن آلن، جیمز، (۱۳۸۶). سفالگری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

- Al Atwabi., (1984). *Ketab Ansab al Arab*. Muscat.
- Al Zadjali., (1997). "Qalhat The Azdites Capital". *PDO News*, 1-2
- Al Zadjali., (1997). "Qalhat The Golden Age". *PDO News*, 2.
- Al Zadjali., (1998). "Qalhat The Portuguese Aggression". *PDO News*, 1.
- Amirhajloo, S. et al., (2020). "Lustre Production in Kerman; Typology and Elemental analysis of Lustrewares founded from Qaleh Dokhtar of Kerman city". *Archaeometry*, No. 6(2), Pp: 1-23
- Aslani, H., (2009). "Decoration technology of Kopbori in Hasht Behesht palace of Isfahan". *Proceedings of the first congress of treasures of forgotten arts*, Vol 1. Tehran, Shadrang publication, Pp: 57-70
- Bhacker, M. R & Bhacher, B., (2004). *Qalhat in Arabian history: context and chronicles*. JOMs.
- Curatola, G., (2021). *Persian Ceramics*. Published by Skira, Italy.
- Degeorge, G. & Porter, Y., (2002). *The art of the Islamic art*. Flammarion publication.
- Döppler, S., (2021). "The middle and new insights from Tawi Said, Al Mudhairib and Walayat al Mudhybi". *Arabian Archaeology and Epigraphy*, No. 32 (Suppl. 1), Pp: 313-237.
- Fehrevari, G., (2000). *Ceramics of the Islamic world in the Tariq Rajab museum*. New York, Taus and co Ltd press.
- Hesari, M., (2020). "The Architectural Tradition of Tombs in the Third Millennium BC in Dambe Kou, Makran, Siestan and Baluchestan Province". *Journal of archaeological studies*, Vol. 13, No. 2, Pp: 202-224.
- Ibn Battute, (1982), *Teravelugue of Ibn Battuta*. Translate by: Mohammad Ali Movahid, Tehran: Elami va Farhangi publication.
- Javeri, M., (1999), "Permilinary report of Qalhat site survey". Archive of the archaeology re-search center of cultural, artifact and tourism (unpublished).
- Javeri, M., (2007). "Pirbakran". *The Great Encyclopedia of Isalam*, Vol. 14, Pp: 114-116.
- Javeri, M., (2011). *Pazhuheshnameh khaliy Fars*. (Vol.3), "Iranian heritage in port of Qalhat", edited by: Abdrasul Tabrizinia, Tehran: Khane Ketab publication.
- Javeri, M., (2013). "The first season excavation of Qalhat site report". Archive of the archae-ology research center of cultural, artifact and tourism (unpublished).
- Joseph, M., (1994). *Iranshahr*. Translated by: Maryam Mirahmadi, Tehran: Etelaat Institute publication.
- Makvandi, L., (2012), "Signature on Islamic pottery of Iran from early Islam to 9th Islamic cen-tury". Faculty of architecture and art of Kashan university (unpublished).

- Milione, E., (1992). *Teravelugue of Marco polo*. Translated by: Mansur Sajadi, Tehran: Bu-Ali publication.
- Norman, S. Sh., (2009). *The inscriptions in old Persian cuneiform of the Achamenian emperors*. Tehran: Pazinehpublication.
- Pickett, D., (1997). *Early Persian Tilework: The Mediaval Floweing of Kashi*. Fairleigh Dickinson University Press, First Edition.
- Pop, A. & Akerman, Ph. N., (2008). *The survey of Iranian art from prehistory to nowa-days*. Vol. 4, "Pottery and Calligraphy", Translated by: Najaf Daryabandari, Tehran: Elami va Farhangi publication.
- Porter, V., (1995). *Islamic Tiles*. The British museum press, London.
- Porter, Y., (2021). "Talking Tiles from Vanished Ilkhanid Palaces (Late Thirteenth to Early Fourteenth Centuries) Frieze Luster Tiles with Verses from the Shah-nama". *Journal of Material Cultures in the Muslim World*, Pp: 149-297.
- Rougeulle, A., (2007). "The Qalhat Project Preliminary Report of 2007. Mission". Unpublished, Archive of Archaeology Ministry (AM), Muscat.
- Rougeulle, A., (2017). "Medieval Qalhāt, historical vs archaeological data". *Arabain Humanities*, No. 9, Pp: 1-58.
- Torabzadeh, A., (2005). "Ethnografical review of Bushehr province". Archive of cultural heritage organiza-tion (unpublished).
- Vosmer, T., (2004). "Qalhat an ancient port of Oman: the result of first mission". *Proceeding of the seminar of Arabian studies*, No. 34, Pp: 389-404.
- Watson, O., (2020). *Persian ceramics of Iran*. Yale University press.
- Wilson. A. J., (2007). *Islamic pottery*. Translated by: Mahnaz shayestefar, Tehran: Islamic art research institute.